

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۶، شماره ۲، پیاپی ۹ (بایز و زمستان ۱۴۰۰) شماره صفحات: ۳۶۹ - ۳۸۸

بررسی ساخت ملکی محمولی در گیلکی رشت

روزبهان یزدانی‌مقدم^۱، سحر بهرامی خورشید^۲، محمد دبیرمقدم^۳، ارسلان کلفام^۴*

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۳. استاد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۴. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

مالکیت مفهومی جهانی است. بازنمود این مفهوم در نحو به دو شکل کلی اسمی و محمولی است. مالکیت اسمی به شکل گروهی اسمی شامل مالک و مملوک بازنمود دارد و مالکیت محمولی به صورت جمله بیان می‌شود. در این مقاله، ساخت ملکی محمولی در گیلکی رشت با رویکردی رده‌شناختی بررسی می‌شود. روش پژوهش ترکیبی از داده‌های اولیه و ثانویه است. ۴۲۰ جمله نمونه با مصاحبه از گویشوران گیلکی رشت به دست آمد و صحت آن‌ها به تائید ۱۲ گویشور این زبان رسید*. داده‌های پژوهش راستورگوئوا و همکاران (۲۰۱۲) نیز برای پژوهش استفاده شدند. چارچوب نظری پژوهش پیش رو، استاسن (۲۰۰۹) است که در آن چهار رده برای رمزگذاری ساخت ملکی محمولی معرفی شده‌اند. این چهار رده عبارتند از مالکیت مکانی، مالکیت بایی، مالکیت مبتدایی و مالکیت با محمول «داشتن». سه رده مالکیت مکانی، مالکیت بایی و مالکیت با محمول «داشتن» در داده‌ها وجود داشتند، اما شواهدی از وجود مالکیت مبتدایی در این زبان یافت نشد. در بین این سه رده، کاربرد ساخت ملکی با محمول «داشتن» بیش‌تر است و بیش‌تر داده‌های پژوهش به این راهبرد تعلق دارند. به همین دلیل، این راهبرد را می‌توان راهبرد اصلی رمزگذاری مالکیت محمولی دانست.

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۱ دی‌ماه ۱۴۰۰

پذیرش: ۱۰ بهمن‌ماه ۱۴۰۰

واژه‌های کلیدی:

رده‌شناسی

مالکیت

مالکیت محمولی

گیلکی

رشت

* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: golfamar@modares.ac.ir

* از آقای دکتر رضا صدیقی پاشاکی، استاد رشته تاریخ در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) که در تهیه و راستی‌آزمایی پیکره پژوهش کمک فراوانی نمودند، و نیز از همه افرادی که در راستی‌آزمایی داده‌های پژوهش نقش داشتند، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

۱. مقدمه

مالکیت نوعی رابطه معنایی بین دو هستان (موجودیت)^۱ است که این دو موجودیت، مالک^۲ و مملوک^۳ هستند (استاسن^۴، ۲۰۰۹: ۱۱). از آن جا که ماهیت این رابطه معنایی است، برای تعریف دقیق تر آن باید از معیارهای معنایی استفاده شود. بیش تر صاحب نظران معتقدند که بر اساس معیارهای تسلط^۵ و مجانست^۶ می توان سرنمون^۷ مفهوم مالکیت را تعریف کرد. تعریف سرنمون مالکیت بر اساس این دو معیار و همچنین بر اساس رابطه مالک و مملوک به این صورت است (استاسن، ۲۰۰۹: ۱۵):

۱. مالک و مملوک به شکل نسبتاً پایدار رابطه ای مکانی با یکدیگر دارند.

۲. مالک بر مملوک تسلط دارد (و بنابراین معمولاً انسان است).

می توان رابطه مالکیت را از نظر صوری به گونه ای بیان کرد که رابطه بین مالک و مملوک در آن به شکل پیش فرض آمده باشد. همچنین می توان این رابطه را به گونه ای نشان داد که گزاره اصلی جمله باشد (استاسن، ۲۰۰۹: ۲۶-۲۷). مالکیت نوع نخست که مالکیت اسمی^۸ یا توصیفی^۹ نامیده می شود، معمولاً ترکیبی از دو گروه اسمی است که به شکلی به یکدیگر متصل شده اند (هاینه^{۱۰}، ۱۹۹۷: ۱۴۳). به همین دلیل، این نوع مالکیت بیش تر از نظر نحوه ارتباط دو بخش اسمی با یکدیگر و ترتیب دو سازه اسمی بررسی شده است (نیکولز^{۱۱}، ۱۹۸۸، ۱۹۹۲). عبارتی مانند «کتاب علی» نمونه ای از مالکیت توصیفی است. معمولاً سرنمون مالکیت توصیفی این ویژگی ها را دارد: ۱. رابطه ملکی را پیش فرض می گیرد. ۲. محتوا را در طول زمان ثابت می پندارد. ۳. دو موجودیت را شیء می داند. ۴. در قالب رابطه اضافی بیان می شود.

¹ entity

² possessor

³ possessee

⁴ L. Stassen

⁵ control

⁶ spatial proximity

⁷ prototype

⁸ adnominal

⁹ attributive

¹⁰ B. Heine

¹¹ J. Nichols

مالکیت نوع دوم مالکیت محمولی^۱ نام دارد. این نوع مالکیت بیش تر در قالب جمله بیان می‌شود و معمولاً با گذر زمان ثابت نیست. برای مثال، جمله‌ای همچون «علی خانه‌ای دارد» نمونه‌ای از ساخت ملکی محمولی است. همچنین، امکان تعبیر رابطه ملکی در مالکیت محمولی معمولاً به مراتب کم تر از مالکیت توصیفی است (استاسن، ۲۰۰۹: ۲۶-۲۷). این به این معنا است که برخی از معانی ممکن ساخت ملکی توصیفی را می‌توان نادیده گرفت (سیلر^۲، ۱۹۷۷: ۲۲۴-۲۲۵) و برخی دیگر را سرنمون دانست (نیکیفوریدو^۳، ۱۹۹۱؛ لانگاکر^۴، ۱۹۹۵). بنابراین، می‌توان دید که این دو نوع رابطه ملکی تفاوت‌های صوری و معنایی قابل توجهی باهم دارند و بررسی هر یک نیازمند تحلیلی جداگانه است.

در این پژوهش، ساخت ملکی محمولی و شیوه رمزگذاری^۵ آن در گیلکی رشت بررسی می‌شود. سپس، با توجه به این که تاکنون این ساخت به طور مستقل در گیلکی رشت بررسی نشده است، یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های مشابه انجام‌شده بر روی زبان‌های فارسی (مصطفوی، ۱۳۹۰) و شه‌میرزادی (مصطفوی و صنعتی، ۱۳۹۷) مقایسه خواهد شد و جایگاه گیلکی رشت در مقایسه با این دو گونه زبانی تعیین می‌شود. بنابراین، گیلکی رشت از نظر شیوه رمزگذاری ساخت ملکی محمولی رده‌بندی خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

ساخت ملکی دارای پیشینه‌ای قوی است که در این بخش تنها به چند پژوهش اشاره می‌شود.

مصطفوی (۱۳۹۰) ساخت ملکی محمولی را در زبان فارسی با رویکردی نقشی-رده‌شناختی و رده‌های چهارگانه استاسن (۲۰۰۹) را در داده‌های زبان فارسی بررسی می‌کند و زیرشاخه‌های مالکیت محمولی هاینه (۱۹۹۷) را محک می‌زند. این مطالعه به این نتیجه می‌رسد که ساخت

¹ predicative

² H. Seiler

³ K. Nikiforidou

⁴ R. W. Langacker

⁵ encoding

ملکی مکانی^۱، ساخت ملکی بایی^۲ و ساخت ملکی با محمول «داشتن»^۳ در زبان فارسی وجود دارند، ولی ساخت ملکی مبتدایی^۴ ساختی منسوخ است. جمله‌های (۱) تا (۴) به ترتیب نمونه‌هایی از ساخت ملکی مکانی، ساخت ملکی بایی، ساخت ملکی مبتدایی و ساخت ملکی با محمول «داشتن» در زبان فارسی هستند.

۱. عکس‌هایی که در کتاب هست به پرویز نشان می‌دهد^۵ (جمالزاده، ۱۳۸۱: ۳۹ به نقل از مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

۲. بچه کوچکی بود با چشم‌های آبی آسمانی مثل چشم‌های مادرش^۶ (هدایت، ۱۳۴۴: ۹۲-۹۳ به نقل از مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

۳. گفتم خدا در هیچ طرف نیست و او را هیچ مکانی نباشد (طالبوف، ۱۳۷۱: ۲ به نقل از مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

۴. شما دو تا زن دارید (آل احمد، ۱۳۵۰: ۵۹ به نقل از مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۶۶).

مصطفوی و صنعتی (۱۳۹۷) گزاره‌های ملکی را با رویکردی رده‌شناختی در گویش شه‌میرزادی بررسی کرده‌اند. در این پژوهش، وجود و فراوانی رخداد چهار رده استاسن (۲۰۰۹) بررسی می‌شود. بر اساس یافته‌ها سه رده مالکیت مکانی، مالکیت بایی و مالکیت با محمول «داشتن» در این گونه زبانی وجود دارند و کاربرد راهبرد اخیر از دو راهبرد دیگر بیش‌تر است، ولی مالکیت مبتدایی در گویش شه‌میرزادی منسوخ است.

نغزگوی کهن و ملکی (۱۳۹۸) به بررسی طرحواره‌های مالکیت در زبان فارسی می‌پردازند. در این پژوهش از چارچوب شناختی هاینه (۱۹۹۷) استفاده شده و نشان می‌دهد که در زبان فارسی از طرحواره‌های کنش، مکانی، همراهی، هدف و منبع برای رمزگذاری مالکیت محمولی

¹ Locational

² With possessive

³ Have possessive

⁴ Topical

^۵ لازم به ذکر است که این جمله، تنها در صورتی جمله ملکی است که تعلق عکس‌ها به کتاب برجسته شود. وگرنه جمله‌ای وجودی است. در این جا نیز این جمله با همین خوانش خاص، جمله‌ای ملکی دانسته شده است.

^۶ این جمله نیز جمله‌ای وجودی است. ولی در این مثال، تعلق چشم‌های آبی به کودک برجسته شده است و با این خوانش خاص، جمله‌ای ملکی دانسته شده است.

استفاده می‌شود. برای رمزگذاری مالکیت اسمی در زبان فارسی، طرح‌واره‌های مکانی، همراهی، اضافی، منبع، اتصالی و مبتدایی کاربرد دارند. استفاده از طرح‌واره منبع برای رمزگذاری مالکیت محمولی و استفاده از طرح‌واره اتصالی برای رمزگذاری مالکیت اسمی جزو ویژگی‌هایی هستند که در زبان‌های مد نظر پژوهش‌های این‌گونه وجود ندارند.

نغزگوی کهن (۱۳۹۵) انواع ساخت‌های مالکیت را در تالشی بر اساس چارچوب رده‌شناختی آیکنوالد^۱ (۲۰۱۳) بررسی می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که راهکارهای متنوعی برای رمزگذاری مالکیت اسمی و مالکیت محمولی در تالشی کاربرد دارند و چند ساخت مختلف برای بیان یک نقش دستوری یکسان استفاده می‌شوند. روش‌های هم‌جواری، نشانه‌گذاری مالک، نشانه‌گذاری مملوک و نشانه‌گذاری مالک و مملوک برای رمزگذاری مالکیت اسمی در زبان تالشی کاربرد دارند. در رمزگذاری مالکیت محمولی از انواع ساخت‌های وجودی، ساخت جایگاهی و فعل ربطی و نیز پس‌اضافه /ta/ استفاده می‌شود.

۳. مبانی نظری پژوهش

از آن جا که این پژوهش بر مبنای یافته‌های پژوهش‌های هاینه (۱۹۹۷) و استاسن (۲۰۰۹) است، در این بخش به معرفی این دو پژوهش پرداخته می‌شود.

هاینه (۱۹۹۷: ۹) مالکیت را یک بار بر اساس مالک و بار دیگر بر اساس مملوک دسته‌بندی می‌کند. از نظر مالک، دو نوع مالکیت انسان^۲ و غیرانسان^۳، و از نظر مملوک، مالکیت عینی^۴، مالکیت اجتماعی^۵ و انتزاعی^۶ وجود دارند. در مالکیت عینی، رابطه ملکی بین مالک و یک شیء ملموس است. در مالکیت اجتماعی، روابط اجتماعی مطرح می‌شوند و در مالکیت انتزاعی مملوک انتزاعی است.

جمله‌های (۵) تا (۹) به ترتیب این ساخت‌ها را نشان می‌دهند (هاینه، ۱۹۹۷: ۹).

¹ A. Y. Aikhenvald

² human

³ non-human

⁴ concrete

⁵ social

⁶ abstract

۵. مالک انسان: من خانه‌ای دارم.

۶. مالک غیرانسان: این خانه دو اتاق خواب دارد.

۷. مملوک عینی: من دو گربه دارم.

۸. مملوک اجتماعی: من دو خواهر دارم.

۹. مملوک انتزاعی: من وقت ندارم.

هاینه (۱۹۹۷: ۳۴-۳۵) در جایی دیگر بر اساس مشاهدات بین‌زبانی هفت نوع مالکیت را شناسایی می‌کند: ۱. مالکیت فیزیکی^۱ یا لحظه‌ای^۲ که در آن، مالک و مملوک در لحظه بیان جمله با هم در ارتباط هستند. مانند: «خودکار همراهت هست؟» ۲. مالکیت موقتی^۳ که در آن مالک برای زمان محدودی بر مملوک تسلط دارد. برای مثال: «کتابی در دست علی بود.» ۳. مالکیت دائمی^۴ یا ذاتی^۵ که در آن مملوک از دارایی‌های مالک است، مانند جمله (۵). ۴. مالکیت تعلق^۶ که در آن مملوک و مالک را نمی‌توان از یکدیگر جدا کرد، مانند جمله (۸). ۵. مالکیت انتزاعی^۶ که در آن مملوک مفهومی است که قابل مشاهده نیست، مانند جمله (۹). ۶. مالکیت تعلق غیرجاندار که مانند مالکیت تعلق است، با این تفاوت که مالک جاندار نیست. جمله (۶) از این دسته است. ۷. مالکیت غیر تعلق^۷ غیرجاندار که در آن مالک جاندار نیست و مملوک را می‌توان از آن جدا کرد، مانند جمله «این خانه موش دارد».

استاسن (۲۰۰۹) معتقد است که رابطه بین این مالک و مملوک نامتقارن است، به این معنا که این دو موجودیت در رابطه‌ای از نوع تعلق^۸ قرار دارند و یکی از دو موجودیت به دیگری تعلق دارد که در این مورد خاص، مملوک به مالک تعلق دارد (استاسن، ۲۰۰۹: ۱۱). همچنین، برای توصیف مفهوم مالکیت، یکسانی مکانی دو موجودیت شرط لازم است، ولی شرط کافی نیست.

¹ physical

² momentary

³ temporary

⁴ permanent

⁵ inherent

⁶ inalienable

⁷ alienable

⁸ belonging

استاسن (۲۰۰۹: ۱۴) معتقد است که شرط کافی برای تعریف مالکیت، مفهوم معنایی-شناختی تسلط است.

استاسن مفهوم تسلط را بر اساس توصیف اوانز^۱ (۱۹۹۵: ۱۴۶) نوعی رابطه قدرت^۲ می‌داند. مالک در رابطه ملکی، تصمیم می‌گیرد که مملوک کجا باشد و چه اتفاقی برای مملوک بیفتد و مالک تصمیم می‌گیرد که رابطه ملکی ادامه داشته باشد و یا از بین برود (استاسن، ۲۰۰۹: ۱۴-۱۵). بنابراین، رابطه مالکیت در نقطه تقاطع دو پارامتر دیگر قرار دارد. همچنین می‌توان گفت که توصیف این مفهوم با «میزان تسلطی ممکن است که مالک نسبت به مملوک دارد و مدت زمانی که مملوک در مجانست مالک است» (هاینه، ۱۹۹۷: ۳۸-۳۹). بنابراین، می‌توان مالکیت را به این گونه تعریف کرد: در حالت سرنمون، مالکیت با حضور دو موجودیت به نام‌های مالک و مملوک تعریف می‌شود به گونه‌ای که: ۱. مالک و مملوک در رابطه‌ای مکانی و نسبتاً پایدار قرار دارند. ۲. مالک به مملوک مسلط است (استاسن، ۲۰۰۹: ۱۵-۱۶).

استاسن از مفاهیم معناشناختی مجانست و تسلط استفاده و چهار نوع از مالکیت را معرفی می‌کند که در مثال‌های (۱۴) تا (۱۷) دیده می‌شوند (استاسن، ۲۰۰۹: ۱۶).

۱۴. مالکیت غیرتعلقی: علی ماشین قشنگی دارد.

۱۵. مالکیت تعلقی: علی دو تا خواهر دارد.

۱۶. مالکیت موقتی: طرف تو دستش چند تا کتاب بود.

۱۷. مالکیت انتزاعی: کلکی در کارش بود.

استاسن (۲۰۰۹: ۳۹-۴۰) معتقد است که باید از معیارهای صوری در رده‌شناسی زبان استفاده کرد. تنها معیار صوری که برای ساختن رده‌ای جدید برای ساخت ملکی معمولی نیاز است، رمزگذاری مالک و مملوک بر اساس نقش دستوری آن‌ها است. بنابراین، رده‌ها در رده‌شناسی این ساخت نشان‌دهنده تنوع در بیان صوری این نقش‌های دستوری بین زبان‌ها هستند. استاسن (۲۰۰۹: ۴۸) چهار رده متفاوت معرفی می‌کند که آن‌ها را پایه‌ای، به سادگی قابل تشخیص و همچنین تکراری می‌داند. در واقع، این چهار رده را می‌توان چهار نوع ساخت

¹ N. Evans

² power

ملکی محمولی دانست. این صورت‌های معیار تحت تاثیر فرآیند دستوری‌شدگی و عوامل همراه با آن قرار نگرفته‌اند و عبارتند از مالکیت مکانی^۱، مالکیت بایی (همراهی)^۲، مالکیت مبتدایی^۳ و مالکیت با محمول «داشتن»^۴.

۳-۱. مالکیت مکانی

استاسن برای تعریف مالکیت مکانی سه معیار معرفی می‌کند: ۱. این ساخت دارای محمولی مکانی یا وجودی در قالب فعلی با معنای کلی «بودن» است. ۲. گروه اسمی مملوک، فاعل ساختاری جمله است و تمام ویژگی‌های صرفی-نحوی که فاعل ساختاری در آن زبان دارد، شامل این گروه اسمی نیز می‌شود. ۳. گروه اسمی مالک حالت غیرفاعلی و قیدی دارد. نشان‌گذاری گروه اسمی مالک توسط هر ابزاری است که در آن زبان برای رمزگذاری روابط قیدی به کار می‌رود. استاسن (۲۰۰۹: ۴۹-۵۰) معتقد است که در حالت سرنمون، صورت کلی ساخت ملکی مکانی را می‌توان به این شکل نشان داد: «در مالک، مملوک است»^۵. جمله (۱) نمونه‌ای از ساخت ملکی مکانی در فارسی است که به شکل جمله (۱۸) تکرار شده است.

۱۸. عکسپایی که در کتاب هست به پرویز نشان می‌دهد^۶ (جمالزاده، ۱۳۸۱: ۳۹ به نقل از مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۲۴)

۳-۲. مالکیت بایی

مالکیت بایی به این صورت تعریف می‌شود: ۱. نوعی از ساخت ملکی که دارای محمولی مکانی/وجودی در قالب فعلی با معنای کلی «بودن» است. ۲. گروه اسمی مالک، فاعل دستوری محمول است. ۳. گروه اسمی مملوک حالت غیرفاعلی دارد و به شکل قیدی بازنمود می‌یابد.

^۱ locational possessive

^۲ with-possessive

^۳ topical possessive

^۴ have-possessive

^۵ at/to pr, (there) is/exists a pe.

^۶ یادآوری می‌شود که در این جمله، تعلق عکس‌ها به کتاب برجسته شده است و نویسندگان با این خوانش، این جمله را نمونه‌ای از ساخت ملکی دانسته‌اند.

بازنمود صوری این ساخت به این شکل است: «مالک با مملوک است/ وجود دارد.»^۱ (استاسن، ۲۰۰۹: ۵۵). جمله (۲)، نمونه‌ای از ساخت ملکی بایی در زبان فارسی است که به شکل جمله (۱۹) تکرار شده است.

۱۹. بچه کوچکی بود با چشم‌های آبی آسمانی مثل چشم‌های مادرش^۲ (هدایت، ۱۳۴۴: ۹۲-۹۳ به نقل از مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۴۵)

۳-۳. مالکیت مبتدایی

صورت معیار ساخت ملکی مبتدایی را می‌توان به شکل «مالک را مملوک است.»^۳ نوشت (استاسن، ۲۰۰۹: ۵۸). ویژگی‌های این ساخت را نیز می‌توان به این شکل توصیف کرد: ۱. ساخت دارای محمولی مکانی/وجودی در قالب فعلی با معنای کلی «بودن» است. ۲. گروه اسمی مملوک، فاعل دستوری جمله است. ۳. گروه اسمی مالک، مبتدای جمله است. جمله (۳) که به شکل جمله (۲۰) تکرار شده است، ساخت ملکی مبتدایی را نشان می‌دهد.

۲۰. گفتم خدا در هیچ طرف نیست و او را هیچ مکانی نباشد (طالبوف، ۱۳۷۱: ۲ به نقل از مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۶۴)

۳-۴. مالکیت با محمول «داشتن»

ویژگی‌های ساخت ملکی با محمول «داشتن» عبارتند از: ۱. ساخت دارای محمول گذرا است. ۲. گروه اسمی مالک، فاعل/کنش‌گر جمله است. ۳. گروه اسمی مملوک، مفعول مستقیم/کنش‌پذیر جمله است (استاسن، ۲۰۰۹: ۵۸). صورت کلی ساخت ملکی با محمول «داشتن» را می‌توان به این شکل نشان داد: «مالک، مملوک دارد»^۴ (استاسن، ۲۰۰۹: ۶۲). آشکارترین ویژگی این نوع مالکیت، حضور فعلی (نیمه) گذرا است که استاسن آن را فعل «داشتن» می‌نامد. معمولاً

^۱ pr is/exists with a pe

^۲ یادآوری می‌شود که این جمله نیز جمله‌ای وجودی است. ولی اگر تعلق چشم‌های آبی به کودک برجسته شود، جمله‌ای ملکی است و نویسندگان همین خوانش را در نظر دارند.

^۳ (as for) pr, pe is/exists

^۴ pr has a pe

این فعل هیچ ربطی به محمول «بودن» در هیچ زبانی ندارد. به عبارت دیگر، نوع چهارم مالکیت محمولی به لحاظ درکی از بیان مکان یا وجود مشتق نشده است. به جای آن، الگوی این ساخت بر اساس بیان کنش‌های گذرا است. به همین دلیل، ممکن است نمونه‌ای از طرح‌واره^۱ شناختی کلی کنش^۲ باشد (هاینه، ۱۹۹۷: ۴۷). جمله^۳ (۴) نمونه‌ای از ساخت ملکی با محمول «داشتن» در زبان فارسی است و به شکل جمله^۴ (۲۱) تکرار شده است.

۲۱. شما دوتا زن دارید (آل‌احمد، ۱۳۵۰: ۵۹ به نقل از مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۶۶)

۳-۴. روش پژوهش

پژوهش کنونی داده‌بنیاد است و در آن از داده‌های اولیه^۳ و داده‌های ثانویه^۴ استفاده می‌شود. داده‌های اولیه از گویشوران گیلکی رشت گردآوری شده‌اند. صحت این دسته از داده‌ها به تأیید ۱۲ گویشور (شش نفر از گویشوران مرد و شش نفر دیگر زن) رسیده است. همچنین، سه نفر از گویشوران هر گروه بیش از پنجاه سال سن، و دارای سواد دبیرستانی بودند. سه نفر دیگر در هر گروه بیش از سی سال سن و تحصیلات دانشگاهی داشتند. داده‌های ثانویه نیز از پژوهش راستورگوئوا^۵ و همکاران (۲۰۱۲) برگرفته که توسط گویشوران گیلکی رشت طراحی شده‌اند. پس از گردآوری داده‌ها، وجود راهبردهای استاسن (۲۰۰۹) در زبان گیلکی رشت و نحوه رمزگذاری این راهبردها بررسی می‌شود.

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش، نمونه‌هایی از انواع ساخت ملکی محمولی در گیلکی رشت در پیکره آورده می‌شوند. ابتدا، داده‌های مربوط به ساخت ملکی مکانی، سپس داده‌های مربوط به ساخت ملکی بایی و در نهایت داده‌های مربوط به ساخت ملکی با محمول «داشتن» ارائه می‌شوند. در هر بخش،

¹ schema

² action

³ primary

⁴ secondary

⁵ V. S. Rastorgueva

عضویت داده‌ها به آن رده خاص بررسی می‌شود. همچنین، امکان رمزگذاری انواع معنایی ساخت ملکی محمولی و نیز امکان رمزگذاری مالک جاندار و غیرجاندار در هر رده نشان داده می‌شود. در نهایت، فراوانی و نسبت کاربرد هر رده ساخت ملکی محمولی در گیلکی رشت نشان داده می‌شود.

۴-۱. مالکیت مکانی

بر اساس تعریفی که در بخش ۱-۱-۳ از مالکیت مکانی ارائه شد، شواهدی از وجود این ساخت در گیلکی رشت وجود دارد. جمله‌های (۲۲) تا (۲۹) به این ساخت تعلق دارند.

22. $\text{?æ xan-æn-æ mij\Theta n muj hæm ?is-e}$ (مالک غیرجاندار) (غیرتعلق، مالک غیرجاندار)

۳ش م-بودن هم موش در م-ج-خانه این
در این خانه‌ها موش هم هست.

23. $\text{?ædʒæb mesvak-i ?æn-e dæst dæ-bu}$ (موقتی، مالک جاندار)

بودن ۳ش م-پیشوند دست اض-ضمیر ۳ش م ن-مسواک عجب
مسواک عجیبی در دستش بود.

24. $\text{?æli zehn-e mij\Theta n tʃe næqʃe-j-e kæsif-i bu}$ (انتزاعی، مالک جاندار)

بودن ۳ش م ن-کثیف اض-واج میانجی-نقشه چه در اض-ذهن علی
نقشه‌ای پلید در ذهن علی بود.

25. $\text{mive-n-æ vitamin-e si xejli zijad-e}$ (تعلق، مالک غیرجاندار)

بودن ۳ش م-زیاد خیلی سی اض-ویتامین ن-ج-میوه
ویتامین سی در مرکبات فراوان است.

26. $\text{hiʃ ki xane n-is-e}$ (موقتی، مالک جاندار)

۳ش م-بودن-نفی خانه کس هیچ
کسی خانه نیست؟

27. $\text{rostæm-e fæmfir hæm yælaf-e mij\Theta n bu}$ (موقتی، مالک جاندار)

بودن. ۳ش م در اض-غلاف هم شمشیر اض-رستم

شمشیر خود رستم هم در غلاف بود.

28. $\text{?ærus-}\Theta \text{ xan}\Theta \text{ bukubbukub bu}$ (انتزاعی، مالک غیر جاندار)

بودن. ۳ش م بکوب بکوب خانه اض-عروس

در خانه عروس بکوب بکوب بود (راستور گوئوا و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۶۸)

29. $\text{d}\Theta r \text{ hæ fikr u xijal bu}$ (غیر تعلق، مالک جاندار)

بودن. ۳ش م خیال و فکر همین در

در همین فکر و خیال بود. (راستور گوئوا و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۸۵)

در جمله (۲۲)، فعل جمله از نوع «بودن» است. همچنین، مطابقت فاعل با گروه اسمی /muʃ/ است.^۱ بنابراین، فاعل جمله را می‌توان این گروه اسمی دانست. از سوی دیگر، گروه اسمی /?æ xan-æn-æ mijən/ به دلیل وجود پس‌اضافه /mijən/ حالت فاعلی ندارد. بنابراین، مملوک جمله دارای حالت فاعلی و مالک جمله دارای حالت غیر فاعلی است. به همین دلیل، طبق تعریف ساخت ملکی مکانی که در بخش ۳-۱ گفته شد، این جمله را می‌توان نمونه‌ای از ساخت ملکی مکانی در گیلکی رشت دانست. جمله‌های (۲۵) تا (۳۲) نیز همین وضعیت را دارند. در جمله‌های (۲۴) تا (۳۲) نمونه‌هایی از مالکیت غیر تعلق، تعلق، انتزاعی و موقتی دیده می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که رمزگذاری مالکیت توسط راهبرد مالکیت مکانی تنها به یک زیرشاخه خاص محدود نیست. همچنین دیده می‌شود که مالک جمله در ساخت ملکی مکانی در گیلکی رشت می‌تواند جاندار یا غیر جاندار باشد.

در کل جمله‌های مورد استفاده پژوهش، تعداد ۵۹ جمله به زیرشاخه مالکیت مکانی تعلق داشتند. این تعداد، برابر با ۱۲٪ از کل داده‌های پژوهش است. این مسئله نشان می‌دهد که کاربرد ساخت ملکی مکانی در زبان گیلکی رشت چندان زیاد نیست.

^۱ برای مطالعه بیشتر درباره نظام مطابقت و حالت در گیلکی، ن. ک. راستور گوئوا و همکاران (۲۰۱۲: ۱۸۵-۱۸۷).

۲-۴. مالکیت بایی

شواهدی از وجود ساخت ملکی بایی در گیلکی رشت وجود دارد. جمله‌های (۳۰) تا (۳۹) این مسئله را نشان می‌دهند.

30. ʔæli ba je metr o nim qæd ʔæz hæme qævi-tʔr bu (تعلق، مالک جاندار)

بودن ۳م تفضیلی-قوی همه از قد نیم و متریک با علی
علی با یک متر و نیم قد از همه قوی تر بود.

31. ʔæli ʔi-tæ ʃaxe gol ʔæmræ vægʔrdæs be xane (موقتی، مالک جاندار)

خانه به برگشتن ۳م با گل شاخه تا-یک علی
علی با یک شاخه گل به خانه برگشت.

32. dʔrja ba mahi-ha-j-e zijad-eʃ qæʃæng bu (تعلق، مالک غیرجاندار)

بودن ۳م قشنگ واژه‌بست ۳م-زیاد اض-واج میانجی-ج-ماهی با دریا
دریایی قشنگی بود با ماهی‌های فراوان.

33. ʔæ do ta mætn ba kæm-i ʃeʃmpuʃi zijad færq no-kun-ʔn (انتزاعی،

مالک غیرجاندار)

۳ج-کردن-نفی فرق زیاد چشم‌پوشی ن-کم با متن تا دو این
این دو متن با اندکی چشم‌پوشی یکسان هستند.

34. pilebaba mærd-i ʔaram ba mu-ha-j-e sefid bu (تعلق، مالک جاندار)

بودن ۳م سفید اض-واج میانجی-ج-مو با آرام ن-مرد پدربزرگ
پدربزرگ مردی آرام با موهای سفید بود.

35. ʔæ baleʃ ba ʔæ golduzi-j-æn ʔotaq-e ʔæmræ dzur

جور با اض-اتاق ج-واج میانجی-گلدوزی این با بالش این

(تعلق، مالک غیرجاندار) ni-j-e

بودن ۳م-واج میانجی-نفی

این بالش با این گلدوزی‌ها با اتاق جور نیست.

36. bæʔd ba lʔbxʔnd ge (انتزاعی، مالک جاندار)

گفتن. ۳ش م لبخند با بعد

بعد با لبخند می گوید. (راستورگوئوا و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۷۳)

37. bæʔd ʔæz nƏmaz ʔun-æ ba tƏfrifat bƏ ʔƏbrƏstan

قبرستان به تشریفات با را-ضمیر ۳ش م نماز از بعد

bƏ-bƏrd-idi (انتزاعی، مالک جاندار)

۳ش ج-بردن-التزامی

بعد از نماز او را با تشریفات به قبرستان بردند. (راستورگوئوا و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۴۶)

38. rƏʔis ba halƏt-Ə ʔƏzƏb u ʔƏzƏb dƏr-æ vakud-Ə مالک (انتزاعی، مالک

جاندار)

۳ش م-باز کردن را-در غضب و غضب اض-حالت با رئیس

رئیس با عصبانیت در را باز کرد. (راستورگوئوا و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۴۷)

39. ʔun xast-i mƏrjƏm-Ə ʔæmræ zƏndƏgi bu-kun-Ə مالک (غیرتعلقی، مالک

جاندار)

۳ش م-کردن-التزامی زندگی با اض-مریم ۳ش م-خواستن ضمیر ۳ش م

او می خواست با مریم زندگی کند. (راستورگوئوا و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۸۲)

در جمله (۳۴) محمول جمله از نوع «بودن» است. مالک جمله گروه /dƏrja/ است که

فاعل جمله می باشد. بنابراین، گروه اسمی /mahi-ha-j-e zjad-ef/ که مملوک است، فاعل

جمله نیست. پیش اضافه /ba/ نیز در این جمله پیش از گروه اسمی مملوک دیده می شود.

بنابراین، گروه اسمی مالک، فاعل جمله است و گروه اسمی مملوک، فاعل نیست. محمول جمله

نیز از نوع «بودن» است. پس این جمله را می توان نمونه ای از ساخت ملکی بایی دانست. همان طور

که نشان داده شد، تمام زیرشاخه های معنایی مالکیت را می توان توسط ساخت ملکی بایی

رمزگذاری کرد. همچنین، مالک جمله می تواند جاندار یا غیرجاندار باشد.

جمله های (۳۴) تا (۳۶) سرنمون ساخت ملکی بایی هستند. در برخی از جمله ها مانند

جمله های (۳۳) و (۳۸)، محمول «بودن» وجود ندارد یا حذف شده است. ولی وجود این محمول

برای ساخت ملکی بایی الزامی نیست و این مسئله در زبان فارسی نیز رخ می دهد (مصطفوی،

۱۳۹۰: ۱۴۱). جمله (۴۲) شاهد این پدیده است. جمله (۴۳) ترجمه انگلیسی جمله (۳۸) است و نشان می‌دهد که ساخت ملکی بایی بدون محمول «بودن» در زبان انگلیسی نیز وجود دارد. ۴۰. پیرمردی با شلوار کوتاه و کمر بسته و کلاه پرداز شکارچیان، سنگین پیش آمد (حجازی، ۱۳۴۴: ۶ به نقل از مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

41. Then she say-s with a smile

لبخند ن با ۳ش-م-گفتن ضمیر ۳ش م بعد

بعد با لبخند می‌گوید. (راستورگوئوا و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۷۳)

بنابراین، به نظر می‌رسد که در گیلکی رشت نیز ساخت ملکی بایی بدون محمول «بودن» امکان‌پذیر باشد. در جمله (۳۶) گروه اسمی مملوک که عبارت /lθbxθnd/ است، به دلیل وجود پیش‌اضافه /ba/ حالت غیرفاعلی دارد. حالت فاعلی برای ضمیر سوم شخص مفرد که مالک جمله نیز می‌باشد، محذوف است. بنابراین، این جمله نیز نمونه‌ای از ساخت ملکی بایی در گیلکی رشت است، هر چند که شاید سرنمون این ساخت نباشد.

در کل، ۱۲۲ جمله در کل داده‌های مورد نظر پژوهش به زیرشاخه ساخت ملکی بایی تعلق داشتند. این تعداد برابر با ۲۵٪ از کل داده‌ها است. بنابراین، ساخت ملکی بایی نسبت به ساخت ملکی مکانی کاربرد بیشتری دارد.

۳-۴. مالکیت با محمول «داشتن»

شواهد زیادی از ساخت ملکی با محمول «داشتن» در جمله‌های مورد نظر پژوهش وجود دارند. جمله‌های (۴۲) تا (۵۵) وجود این ساخت را در گیلکی رشت نشان می‌دهند.

42. Pæli do ta zaj dar-e (تعلق، مالک جاندار)

۳ش-م-داشتن بچه تا دو علی

علی دو تا بچه دارد.

43. Postad ?i-tæ ketab hæm dær mored-e rævanfenasî dar-e (غیرتعلق، مالک جاندار)

۳ش-م-داشتن روانشناسی اض-مورد در هم کتاب تا-یک استاد

استاد کتابی هم درباره روان‌شناسی دارد.

44. məʔmulæn ʔæfrad-e xælafkar ʔæslæhe hæm dar-en (موقتی، مالک

جاندار)

۳شج-داشتن هم سلاح خلافاً افراد معمولاً
معمولاً افراد خلافاً سلاح هم دارند.

45. fekr kon-Øm sØrmdaxordegi daft-i (مالک جاندار)

۳شم-داشتن سرماخوردگی ۱شم-کردن فکر
فکر کنم آنفلوانزا داشت.

46. ʔæ dar hæmuz xejli mive næ-dØr-e (تعلق، مالک جاندار)

۳شم-داشتن-نمی میوه خیلی هنوز درخت این
این درخت هنوز خیلی میوه ندارد.

47. ʔæ sæl zalu dØr-e (غیر تعلق، مالک غیر جاندار)

۳شم-داشتن زالو برکه این
این برکه زالو دارد.

48. kefvær qanun dØr-e (انتزاعی، مالک غیر جاندار)

۳شم-داشتن قانون کشور
مملکت قانون دارد.

49. hæz mænære xo qæfængi dar-e (انتزاعی، مالک غیر جاندار)

۳شم-داشتن زیبایی خود منظره هر
هر منظره‌ای زیبایی خاص خودش را دارد.

50. ʔun fØyØt ʔi-ta ra daft-i (غیر تعلق، مالک جاندار)

۳شم-داشتن راه تا-یک فقط ضمیر ۳ش
او تنها یک راه داشت. (راستورگوئوا و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۵۹)

51. mØn xanØ ʔi-ta pØlaxora dar-Øm (تعلق، مالک جاندار)

۱شم-داشتن همسر تا-یک خانه ضمیر ۱ش

من در خانه همسری دارم. (راستورگوئوا و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۶۴)

52. Pipitʃe kar dar-Əm (مالک جاندار)

اشم-داشتن کار کمی

کمی کار دارم. (راستورگوئوا و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۲۰)

53. də panzdƏ ruz murƏxƏsi dar-Əm (مالک جاندار)

اشم-داشتن مرخصی روز پانزده ده

ده-پانزده روز مرخصی دارم. (راستورگوئوا و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۲۸)

در جمله (۴۴)، محمول جمله گذرا و از نوع «داشتن» است. همچنین، مطابقت فعل با گروه اسمی /ʔæfrad-e xælafkar/، یعنی با مالک/ کنش گر جمله است. بنابراین، مملوک جمله که گروه اسمی /ʔæslæhe/ است، فاعل نیست. این گروه اسمی، مفعول مستقیم/ پذیرا^۱ می‌باشد. در نتیجه، این جمله را می‌توان نمونه‌ای از ساخت ملکی با محمول «داشتن» در گیلکی رشت دانست. جمله‌های دیگری که در این بخش آورده شده‌اند، همین وضعیت را دارند. بنابراین، می‌توان دید که ساخت ملکی با محمول «داشتن» در گیلکی رشت وجود دارد. همچنین، همه زیرشاخه‌های معنایی مالکیت را می‌توان توسط این ساخت رمزگذاری کرد. جاندار بودن یا نبودن گروه اسمی مالک نیز برای رمزگذاری جمله توسط این راهبرد، معیار تاثیرگذاری نیست.

در کل جمله‌های پژوهش، ۲۹۳ جمله به شکل ساخت ملکی با محمول داشتن رمزگذاری شده بودند. این تعداد برابر با ۶۱٪ از کل داده‌ها است. بنابراین، به نظر می‌رسد که ساخت ملکی با محمول «داشتن» برای رمزگذاری ساخت ملکی معمولی در گیلکی رشت، ساخت غالب باشد.

۵. نتیجه‌گیری

با تحلیل داده‌ها، می‌توان چنین گفت که از چهار رده استاسن، سه رده مالکیت مکانی، مالکیت بایی و مالکیت با محمول «داشتن» در گیلکی رشت وجود دارند. بین این سه رده، ساخت ملکی با محمول «داشتن» پرکاربردترین راهبرد برای رمزگذاری ساخت ملکی معمولی بود؛ به

^۱ patient

گونه‌ای که بیش‌تر داده‌های مورد نظر پژوهش به این زیرشاخه تعلق داشتند. هیچ شواهدی از رمزگذاری جمله‌ها توسط راهبرد چهارم، یعنی مالکیت مبتدایی، در بین داده‌ها یافت نشد. مالکیت مبتدایی در فارسی نیز ساختی متروک است (مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۶۴) و در گویش شه‌میرزادی نیز کاربردی ندارد (مصطفوی و صنعتی، ۱۳۹۷: ۱۹۵). بنابراین، گیلکی رشت نیز به همراه این دو گونه زبانی در یک رده قرار می‌گیرد.

سه رده موجود در گیلکی رشت برای رمزگذاری هر چهار زیرشاخه معنایی هاینه (۱۹۹۷)، یعنی مالکیت غیرتعلقی، مالکیت تعلقی، مالکیت موقتی و مالکیت انتزاعی کاربرد داشتند. جاندار بودن یا نبودن گروه اسمی مالک بر رمزگذاری جمله‌ها توسط این سه رده تأثیر به‌سزایی نداشته است و امکان رمزگذاری جمله‌های دارای مالک جاندار و همچنین جمله‌های دارای مالک غیرجاندار توسط هر سه رده وجود دارد.

سه رده مالکیت مکانی، مالکیت بایی و مالکیت با محمول «داشتن» در زبان فارسی کاربرد دارند (مصطفوی، ۱۳۹۰: ۲۳۲). با این که مالکیت مبتدایی زمانی در زبان فارسی وجود داشته است، امروزه ساختی منسوخ است و کاربردی ندارد (مصطفوی، ۱۳۹۰: ۱۶۳-۱۶۴). این الگو در زبان شه‌میرزادی نیز تکرار شده است. در این زبان نیز مانند زبان فارسی، سه رده مالکیت مکانی، مالکیت بایی و مالکیت با محمول «داشتن» کاربرد دارند، ولی مالکیت مبتدایی در این زبان استفاده نمی‌شود (مصطفوی و صنعتی، ۱۳۹۷: ۱۹۴-۱۹۵). بنابراین، می‌توان گیلکی رشت را نیز به همراه زبان فارسی و شه‌میرزادی در یک رده زبانی قرار داد.

منابع

- آل احمد، جلال. (۱۳۵۰). مدیر مدرسه. تهران: امیرکبیر.
- جمالزاده، محمد علی. (۱۳۸۱). *اصفهان نصف جهان (سر و ته یک کرباس)*. به کوشش علی دهباشی. تهران: سخن.
- حجازی، محمد. (۱۳۴۴). *آرزو*. تهران: ابن سینا.
- طالبوف، عبدالرحیم. (۱۲۷۱). *سفینه طالبی*. استامبول: مطبعه اختر.
- مصطفوی، پونه (۱۳۹۰). *بررسی مالکیت محمولی در فارسی*. پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

- مصطفوی، پونه و مرضیه صنعتی. (۱۳۹۷). گزاره‌های ملکی در زبان شه‌میرزادی: یک بررسی رده‌شناختی. *زبان پژوهی* ۱۰ (۲۷)، صص. ۱۷۱-۱۹۹.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۵). بیان مالکیت در تالشی. *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*. ۱ (۲)، صص. ۱۱۷-۱۳۶.
- نغزگوی کهن، مهرداد و ساسان ملکی (۱۳۹۸). طرح‌واره‌های مالکیت در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. بهار و تابستان ۱۳۹۸. ۱۱ (۱). ۲۰. صص. ۳۳-۴۸.
- هدایت، صادق. (۱۳۴۴). *پروین دختر ساسان*. تهران: امیرکبیر.
- Aikhenvald, A. Y. (2013). Possession and ownership: a cross-linguistic perspective. In: A. Y. Aikhenvald and R. M. W. Dixon (eds.). *Possession and ownership: a crosslinguistic typology*: pp. 1-64. Oxford: Oxford University Press.
- Evans, N. (1995). *A Grammar of Kayardild*. Berlin: Mouton De Gruyter.
- Heine, B. (1997). *Possession: Cognitive sources, forces, and grammaticalization*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Langacker, R. W. (1995). Possession and possessive constructions. In: R. Taylor & R. E. Macauley (eds.). *Language and the cognitive construal of the world*. J. pp. 51-79. Berlin: Mouton De Gruyter.
- Nichols, J. (1988). On alienable and inalienable possession. In W. Shipley (ed.). *Honor of Mary Haas: From the Haas Festival on Native American Linguistics*. pp. 557-609. Berlin: Mouton De Gruyter.
- Nichols, J. (1992). *Linguistic diversity in space and time*. Chicago: University of Chicago Press.
- Nikiforidou, K. (1991). The meanings of the genitive: a case study in semantic structure and semantic change. *Cognitive Linguistics*. (2), pp. 149-205.
- Rastorgueva, Vera S., Aza A. Kerimova, A. K. Mamedzade, Lev A. Pirejko, Džoy I. Edel'man & Ronald M. Lockwood. (2012) *The Gilaki language*. Uppsala: Uppsala University.
- Seiler, H. (1977). Universals of language. *Gesammelte Aufsätze*. H. Seiler, Sprache und Sprachen. pp. 207-29. München: Wilhelm Fink.
- Stassen, L. (2009). *Predicative possession*. New York: Oxford University Press.

Predicative Possession in Rashti Gilaki

Arsalan Golfam
Mohammad Dabir Moghaddam
Sahar Bahrami Khorshid
Rouzbehan Yazdani Moghaddam

Abstract

Possession is a universal concept. It can be syntactically represented as one of the two major varieties: Attributive or Predicative. Attributive possession is encoded as a noun phrase containing the possessor and the possesee, while predicative possession is encoded as a sentence. In the present study, predicative possession construction in Rashti Gilaki was investigated with a cognitive approach. Both primary and secondary data were used in this study. A total of 420 sentences were gathered via native Gilaki speakers, all of which verified by other native speakers of the same variety, as well as the data already created in Rastorgueva et. al. (2012). The theoretical framework of the present study is Stassen (2009) in which four major categories are introduced for encoding predicative possession including Locational, With-possessive, Topic possessive and "Have" possessive. The existence of the Locational variety, as well as With-possessives and "Have" possessives were confirmed, while no evidence for the existence of Topic possessives could be found. "Have" possessives occurred more frequently than the other two varieties, making up the overall majority of the data. As a result, it can be considered the main strategy for encoding predicative possession in the Rasht variety of Gilaki.

Keywords: Typology, Possession, Predicative Possession, Gilaki, Rasht